دانشگاه علوم پزشکی همدان
بنیاد ملی انسانیت

مجله‌ی توسعه‌ی آموزش در علوم پزشکی. دوره‌ی ۱۱، شماره ۳۱، پاییز ۹۷، صفحات ۷۱ تا ۸۰

<http://zums.ac.ir/edujournal/>

مقاله پژوهشی اصیل

شناسایی و اولویت‌بندی ایدئولوژی برنامه‌ی درسی اساتید علوم پزشکی در زمینه‌ی مؤلفه‌های شش‌گانه برنامه‌ی درسی

فرامرز محمدی پویا^{۱*}، سهراب محمدی پویا^۲

دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۰ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۲۱ چاپ: ۱۳۹۷/۰۹/۲۹

چکیده

زمینه و هدف: شناسایی ایدئولوژی برنامه‌ی درسی اساتید می‌تواند برای طراحان حوزه‌ی برنامه‌ی درسی و آموزش به مثابه‌ی ابزار و نقشه راه عمل نماید. بدین صورت در پژوهش حاضر سعی شده است که به شناسایی و اولویت‌بندی ایدئولوژی اساتید علوم پزشکی در رابطه با مؤلفه‌های شش‌گانه برنامه‌ی درسی پرداخته شود.

روش بررسی: روش پژوهش از نوع توصیفی - مقطعی می‌باشد. جامعه‌ی پژوهش متشکل از کلیه‌ی اساتید دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج) بوده و تعداد ۹۴ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. در پژوهش حاضر به منظور گردآوری اطلاعات از پرسشنامه‌ی استاندارد ایدئولوژی برنامه‌ی درسی اسکایرو استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات نرم افزار آماری SPSS v16 مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها: براساس نتایج این مطالعه، اولویت اول ایدئولوژی برنامه‌ی درسی اساتید علوم پزشکی در هر یک از مؤلفه‌های شش‌گانه شامل ایدئولوژی بازسازی اجتماعی در مؤلفه هدف؛ ایدئولوژی کارایی اجتماعی در مؤلفه‌های تدریس، دانش و فراگیر؛ و ایدئولوژی یادگیرنده محور در مؤلفه‌های یادگیری و ارزشیابی بود.

نتیجه‌گیری: ضمن توجه اساتید علوم پزشکی به همه ایدئولوژی‌های برنامه‌ی درسی، ایشان در غالب مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی ایدئولوژی کارایی اجتماعی را در اولویت بالاتری قرار دادند. به عبارت دیگر، تأکید ایشان بر توانمندسازی فراگیران جهت عملکرد متمرکز می‌باشد.

واژگان کلیدی: ایدئولوژی برنامه‌ی درسی، مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی، اساتید علوم پزشکی.

این مقاله بدین صورت ارجاع داده شود:

Muhammdipouya F, Muhammdipouya S. Recognition and Prioritization of the Curriculum Ideologies of Medical Science Professors in the Area of the Six Curriculum Components. J Med Educ Dev. 2018; 11 (31) :85-96

۱- گروه علوم تربیتی، دانشکده‌ی علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

۲- دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه تبریز، عضو هیئت علمی پژوهشکده سیاست‌پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت، تهران، ایران.

*نویسنده‌ی مسئول: گروه علوم تربیتی، دانشکده‌ی علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. muhammadipouya@basu.ac.ir

مقدمه

همواره از برنامه‌ی درسی به‌عنوان قلب نظام آموزشی یاد شده و از آن به مثابه‌ی ابزاری در راستای دستیابی به اهداف کلان تعلیم و تربیت بهره گرفته شده است (۱). اهمیت توجه به باورهای افراد در جهت تقویت حوزه‌ی برنامه‌ی درسی مفهومی انکارناپذیر را به وجود آورده تا آنجایی که رد و شانلین (Red & Shainline) علاوه بر ضرورت شناسایی باورهای طراحان برنامه‌ی درسی، بر لزوم توجه به باورهای اساتید در فرایند طراحی محتوای آموزشی تأکید می‌نمایند (۲). در واقع موضوع دیدگاه‌های برنامه‌ی درسی را می‌بایستی از اساسی‌ترین و حساس‌ترین مباحث حوزه‌ی برنامه‌ی درسی به شمار آورد، چراکه موجبات مفهومی شدن و حرکت آگاهانه را در مراحل مختلف طراحی و تدوین برنامه‌ی درسی فراهم می‌آورد (۳). به طور مثال؛ شوپرت (Shubert) معتقد است، زمانی که برنامه‌ی درسی نشأت گرفته از باورهای شخصی است پیوند بین فلسفه و آموزش متجلی می‌شود (۴). همین تعاریف نشان‌گر آن است که ضرورت و لزوم توجه به دیدگاه‌های عناصر آموزشی از جمله مربیان و مدرسان، همواره مورد توجه متخصصان و فعالان حوزه‌ی برنامه‌ی درسی قرار گرفته است. زیرا تعیین نوع ایدئولوژی برنامه‌ی درسی (Curriculum Ideology) علاوه بر اثرگذاری جهت تعیین غایات، چіستی و چگونگی تربیت (۳)، با ایجاد دیدگاهی روشن، اساتید و تصمیم‌گیرندگان برنامه‌ی درسی را در راستای فهم عقاید خود و آگاهی از دیگر دیدگاه‌ها در مورد اهداف برنامه‌ی درسی ترغیب می‌نماید (۵). با توجه به اینکه ایدئولوژی مجموعه‌ای از عقاید، دیدگاه جامع و کامل، و نوع روش نگرستن به مسائل است (۶)، بنابراین ایدئولوژی‌های برنامه‌ی درسی را نیز می‌توان مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها، باورها و ارزش‌های خاص در خصوص برنامه‌های درسی به شمار می‌روند که از خط مشی‌های حاکم بر جامعه الهام گرفته و به

طبع آن ترجیحات و گرایشات اجتماعی را در خصوص اهداف و روش‌های تربیتی و برنامه‌ی درسی را نشان می‌دهند. به عبارت دیگر ایدئولوژی‌های برنامه‌ی درسی باید‌ها و نبایدها نظام برنامه‌ریزی درسی را معین می‌سازند (۵). بنا بر اهمیت موجود در تعاریف ایدئولوژی‌های برنامه‌ی درسی، می‌توان عنوان داشت که از ابتدای دوره‌ی نظریه‌پردازی در حوزه‌ی برنامه‌ی درسی تاکنون، تقسیم‌بندی‌های گوناگونی صورت گرفته است، لیکن در این میان، تقسیم‌بندی اسکایرو (Schirow) در خصوص ایدئولوژی‌ها از جایگاه مناسبی در توجه به برنامه‌ی درسی برخوردار می‌باشد؛ چرا که به صراحت در رابطه با مؤلفه‌های شش‌گانه‌ی برنامه‌ی درسی یعنی؛ هدف (Purpose of Education)، تدریس (Teaching)، فراگیر (Nature of Childhood)، یادگیری (Nature of Learning)، دانش (Nature of Knowledge)، ارزشیابی (Evaluation) و همچنین ایدئولوژی‌های چهارگانه‌ی برنامه‌ی درسی یعنی؛ دانش‌پژوهان‌علمی (Scholar academic ideology)، کارایی اجتماعی (Social efficiency ideology)، یادگیرنده محور (Learner centered ideology) و بازسازی اجتماعی (Social reconstruction ideology) صحبت می‌کند (۵).

ایدئولوژی دانش‌پژوهان علمی، از فراگیر به‌عنوان دریافت کننده دانش یاد کرده و آموزش را ابزاری برای آگاهی آنان از ساختار درونی رشته‌ها می‌داند. در واقع آنان وظیفه‌ی خود را انتقال ماهیت رشته‌ی درسی می‌دانند (۶). در ایدئولوژی کارایی اجتماعی، مجموعه رفتارهای متجلی در اعمال فرد دانش را شکل می‌دهد و آموزش در خدمت تغییر رفتار فراگیران می‌باشد (۷). همچنین در ایدئولوژی بازسازی اجتماعی، آموزش یک فرایند اجتماعی تلقی شده که در بازسازی جامعه مؤثر است. در این دیدگاه اعتقاد به توانایی تعلیم و تربیت در جهت آموزش مردم در راستای درک و فهم جامعه، اصلی انکار ناپذیر می‌باشد (۶). ایدئولوژی یادگیرنده

محور، نیز بر تجربیات فراگیران تأکید می‌نمایند و انتقال صرف اطلاعات به فراگیر را مؤثر نمی‌پندارند (۷).

با توجه به بررسی پیشینه پژوهش مشخص گردید که اکثر پژوهش‌های خارجی در زمینه‌ی شناسایی ایدئولوژی برنامه‌ی درسی، در بین معلمان و مدیران مدارس و دانشجو-معلمان صورت گرفته و نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در اکثر مؤلفه‌ها، ایدئولوژی یادگیرنده محور در اولویت بالاتری نسبت به سایر ایدئولوژی‌ها قرار دارد (۸، ۹). علی‌رغم این اولویت‌بندی، نکته قابل توجه این است که به‌طور کلی همه ایدئولوژی‌های برنامه‌ی درسی از نظر جامعه‌ی پژوهش مورد ارزش‌گذاری واقع شده و هیچ یک از ایدئولوژی‌ها به‌طور کلی رد نشده است (۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲).

نتایج پژوهش‌های انجام شده در داخل کشور نیز - هر چند تمرکز بیشتری بر معلمان داشته است - حاکی از آن است که در اکثر مؤلفه‌ها، ایدئولوژی یادگیرنده محور (۱۳) و دانش‌پژوهان علمی (۱۴) در اولویت بالاتری نسبت به سایر ایدئولوژی‌ها قرار دارد. علی‌رغم اینکه هر یک از جامعه‌های مورد پژوهش، یک ایدئولوژی را بیش از سایر ایدئولوژی‌ها در هر یک از مؤلفه‌ها در اولویت اول قرار داده‌اند، اما مانند پژوهش‌های خارجی در اینجا هم همه ایدئولوژی‌ها مورد ارزش‌گذاری واقع شده‌اند (۱۳، ۱۴، ۱۵).

با نگاهی به پیشینه‌ی پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که ضمن توجه به ایدئولوژی برنامه‌ی درسی مدرسان در سال‌های اخیر - به استثناء برخی از موارد - اهتمام لازم به بررسی و شناسایی ایدئولوژی اساتید دانشگاه صورت نگرفته و بعضاً به پژوهش در مقاطع آموزش عمومی منحصر گردیده است. لذا پژوهش‌های اندکی در حوزه‌ی شناسایی و ارزش‌گذاری ایدئولوژی برنامه‌ی درسی اساتید کشور صورت پذیرفته است. البته باید عدم توجه و فعالیت علمی در زمینه‌ی ایدئولوژی برنامه‌ی درسی در حوزه‌ی علوم پزشکی را بدان افزود، زیرا حوزه‌ی علوم پزشکی به‌عنوان بخش اعظمی از نظام آموزشی،

با سلامت و زندگی افراد جامعه نیز در ارتباط مستقیم می‌باشد و به تبع آن بررسی اولویت ایدئولوژی‌های برنامه‌ی درسی اساتید علوم پزشکی از اهمیت مضاعفی برخوردار است. از این‌رو با استناد به فقر پژوهشی در حیطه‌ی شناسایی و اولویت‌بندی ایدئولوژی برنامه‌ی درسی فعالان و اساتید نظام آموزشی و از سوی دیگر جایگاه آموزشی وزارت بهداشت در راستای ارتقای سطح سلامت افراد جامعه، پژوهش حاضر درصدد است که به شناسایی و اولویت‌بندی ایدئولوژی برنامه‌ی درسی اساتید علوم پزشکی در هر یک از مؤلفه‌های شش‌گانه هدف، تدریس، یادگیری، دانش، فراگیر و ارزشیابی بپردازد.

روش بررسی

پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های کاربردی بوده و با روش توصیفی - مقطعی صورت گرفته است. جامعه‌ی پژوهش نیز شامل کلیه‌ی اساتید دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج) در شهر تهران بوده که با بهره‌گیری از فرمول Levy and Lemeshow (۱۶) تعداد ۹۴ نفر به‌عنوان نمونه محاسبه گردید. جهت جمع‌آوری نمونه از شیوه‌ی نمونه‌گیری طبقه‌ای - متناسب با حجم هر طبقه - بهره گرفته شد، به این صورت که ابتدا دانشگاه به ۵ واحد کوچک‌تر دانشکده‌ی پرستاری، پزشکی، بهداشت، داروسازی و پژوهشکده تقسیم گردید که تعداد نمونه‌ها در هر واحد منطبق با درصد استادان آن واحد (یا دانشکده) بود. سپس برای جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از روش در دسترس، پرسشنامه‌ها در بین اساتید توزیع گردید که در نهایت با حذف پرسشنامه‌های ناقص، تعداد ۸۶ پرسشنامه به‌عنوان نمونه‌ی نهایی مورد تحلیل قرار گرفتند. لازم به ذکر است جهت جمع‌آوری داده‌ها، پژوهش‌گر ضمن حضور در دفتر اساتید و ارائه‌ی مجوز مربوطه و توضیحات در راستای اهداف پژوهش، موجبات اعتماد افراد را برای شرکت در مطالعه‌ی حاضر فراهم آورد. در این پژوهش فقط اعضای هیئت علمی تمام وقت دانشگاه وارد مطالعه شدند و

اساتید حق‌التدریسی و دستیاران اساتید از مطالعه خارج گردیدند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه‌ی ایدئولوژی برنامه‌ی درسی اسکایرو می‌باشد (۶). پرسشنامه مذکور شامل ۶ مؤلفه هدف، تدریس، یادگیری، دانش، فراگیر و ارزشیابی می‌باشد که اساتید به هر یک از این مؤلفه‌ها بر حسب اولویت مد نظرشان نمره یک تا چهار اختصاص می‌دهند و در نهایت با جمع بندی نمرات اختصاص داده شده به هر یک از مؤلفه ها، نوع ایدئولوژی اساتید در قالب چهار نوع ایدئولوژی مورد نظر پرسشنامه یعنی ایدئولوژی دانش‌پژوهان علمی، ایدئولوژی یادگیرنده محور، ایدئولوژی بازسازی اجتماعی و ایدئولوژی کارآیی اجتماعی مشخص می‌گردد. (در بخش مؤلفه‌های شش‌گانه، ایدئولوژی برنامه درسی مطلوب از میانگین کمتری نسبت به میانگین دیگر مؤلفه‌ها برخوردار می‌باشد، زیرا در نمره‌گذاری این ابزار عدد ۱ به معنای بالاترین شباهت و نمره ۴ دارای پایین‌تر شباهت با نظرات افراد می‌باشد). روایی محتوایی پرسشنامه مذکور مورد تأیید ۵ نفر از متخصصان حوزه‌ی تعلیم و تربیت و برنامه ریزی درسی قرار گرفت؛ به طوری که پرسشنامه در اختیار آنان قرار داده شد و نظرات اصلاحی و تأییدی دریافت و موارد یاد شده از سوی آنان اعمال گردید. همچنین پایایی پرسشنامه نیز از طریق آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۹ به دست آمد. داده‌های حاصل از اطلاعات افراد شرکت کننده در پژوهش نیز با استفاده از نرم افزار آماری SPSS v16 و با نمایش تعداد، درصد، درصد معتبر، درصد تراکمی و میانگین مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

از افراد شرکت کننده در پژوهش تعداد ۶۵ (۷۵/۶ درصد) نفر مرد و تعداد ۲۱ نفر (۲۴/۴ درصد) زن می‌باشند. همچنین بر حسب دانشکده محل تحصیل نیز تعداد ۳۳ نفر از دانشکده‌ی پزشکی، ۲۶ نفر از پژوهشگاه، ۱۳ نفر از دانشکده‌ی

پرستاری، ۱۰ نفر دانشکده‌ی بهداشت و ۴ نفر نیز از دانشکده‌ی داروسازی نمونه پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. بیشترین تعداد اساتید در رده سنی ۳۶ تا ۴۱ سال (۳۴ نفر) بودند و ۲۴ نفر از اساتید در رده‌ی سنی ۴۲ تا ۴۶ سال قرار داشتند. همچنین کمترین تعداد اساتید در رده‌ی سنی ۳۰ تا ۳۵ سال (۵ نفر) بودند. لازم به ذکر می‌باشد که افراد مورد مطالعه در بخش پژوهشکده عضو هیئت علمی بوده که دارای کلاس و زمان تدریس بودند.

جدول ۱: اطلاعات زمینه‌ای افراد مورد مطالعه

فراوانی درصد		
جنسیت	مرد	۶۵
	زن	۲۱
	جمع کل	۸۶
	پرستاری	۱۳
	پزشکی	۳۳
دانشکده‌ی محل تدریس	بهداشت	۱۰
	داروسازی	۴
	پژوهشگاه	۲۶
	جمع کل	۸۶
سن (سال)	۳۰-۳۵	۵
	۳۶-۴۱	۳۴
	۴۲-۴۶	۲۴
	۴۷-۵۲	۱۵
	۵۳ و بالاتر	۸
	جمع کل	۸۶
	جمع کل	۱۰۰/۰

در مورد ایدئولوژی اساتید مورد مطالعه نتایج حاصل از جدول ۲ نشان داد که در مؤلفه هدف ایدئولوژی بازسازی اجتماعی با میانگین ۱/۶۸ در اولویت اول اساتید قرار گرفت. در مؤلفه‌های تدریس، دانش و فراگیر به ترتیب با میانگین‌های ۱/۸۶، ۲/۰۶ و ۱/۸۴ ایدئولوژی کارایی اجتماعی در اولویت اول اساتید علوم پزشکی مورد مطالعه در پژوهش حاضر قرار

گرفته است. همچنین از دیگر نتایج پژوهش می‌توان به این موضوع اشاره نمود که در مؤلفه‌های یادگیری و ارزشیابی به ترتیب با میانگین‌های ۱/۶۹ و ۱/۸۲ ایدئولوژی یادگیرنده محور در اولویت اول اساتید قرار داشت.

جدول ۲: ایدئولوژی اساتید بر اساس مؤلفه‌های شش‌گانه برنامه‌ی درسی

مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی	ایدئولوژی اساتید علوم پزشکی	میانگین $\pm$ انحراف معیار	کمترین نمره	بیشترین نمره
هدف	دانش‌پژوهان علمی	$2/37 \pm 0/958$	۲/۱۶	۲/۵۷
	یادگیرنده محور	$2/19 \pm 1/13$	۱/۹۵	۲/۴۴
	بازسازی اجتماعی	$1/68 \pm 0/997$	۱/۴۷	۱/۸۹
	کارایی اجتماعی	$1/68 \pm 0/815$	۱/۵۱	۱/۸۶
تدریس	دانش‌پژوهان علمی	$2/53 \pm 1/12$	۲/۲۹۳	۲/۷۷
	یادگیرنده محور	$1/94 \pm 1/03$	۱/۷۲۰	۲/۱۶
	بازسازی اجتماعی	$2/04 \pm 0/89$	۱/۸۵۵	۲/۲۳
	کارایی اجتماعی	$1/86 \pm 0/92$	۱/۶۶۲	۲/۰۵
یادگیری	دانش‌پژوهان علمی	$2/27 \pm 1/01$	۲/۰۶	۲/۴۹
	یادگیرنده محور	$1/69 \pm 0/970$	۱/۴۸	۱/۹۰
	بازسازی اجتماعی	$2/48 \pm 1/03$	۲/۲۶	۲/۷۱
	کارایی اجتماعی	$2/08 \pm 0/935$	۱/۸۸	۲/۲۸
دانش	دانش‌پژوهان علمی	$2/33 \pm 1/00$	۲/۱۲	۲/۵۵
	یادگیرنده محور	$2/30 \pm 0/88$	۲/۱۱	۲/۴۹
	بازسازی اجتماعی	$2/46 \pm 1/04$	۲/۲۴	۲/۶۸
	کارایی اجتماعی	$2/06 \pm 1/13$	۱/۸۲	۲/۳۱
فراگیر	دانش‌پژوهان علمی	$2/48 \pm 1/15$	۱/۸۲	۲/۲۷
	یادگیرنده محور	$1/82 \pm 0/88$	۲/۰۳	۲/۵۰
	بازسازی اجتماعی	$2/66 \pm 1/05$	۲/۳۱	۲/۷۸
	کارایی اجتماعی	$1/84 \pm 0/93$	۱/۶۷	۲/۰۲
ارزشیابی	دانش‌پژوهان علمی	$2/04 \pm 1/05$	۲/۲۳	۲/۷۳
	یادگیرنده محور	$2/26 \pm 1/09$	۱/۶۳	۲/۰۱
	بازسازی اجتماعی	$2/54 \pm 1/10$	۲/۴۳	۲/۸۸
	کارایی اجتماعی	$1/84 \pm 0/80$	۱/۶۴	۲/۰۵

جدول ۳: اولویت‌بندی ایدئولوژی اساتید بر اساس مؤلفه‌های شش‌گانه برنامه‌ی درسی

مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی						اولویت‌بندی ایدئولوژی‌ها
مؤلفه‌ی هدف	مؤلفه‌ی تدریس	مؤلفه‌ی یادگیری	مؤلفه‌ی دانش	مؤلفه‌ی ارزشیابی	مؤلفه‌ی فراگیر	
اولویت اول	بازسازی اجتماعی	کارایی اجتماعی	یادگیرنده محور	کارایی اجتماعی	یادگیرنده محور	کارایی اجتماعی
اولویت دوم	کارایی اجتماعی	یادگیرنده محور	کارایی اجتماعی	یادگیرنده محور	کارایی اجتماعی	دانش پژوهان علمی
اولویت سوم	یادگیرنده محور	بازسازی اجتماعی	دانش پژوهان علمی	دانش پژوهان علمی	یادگیرنده محور	یادگیرنده محور
اولویت چهارم	دانش پژوهان علمی	دانش پژوهان علمی	بازسازی اجتماعی	بازسازی اجتماعی	بازسازی اجتماعی	بازسازی اجتماعی

بحث

نتایج پژوهش حاکی از آن بود که اساتید در مؤلفه‌ی هدف، ایدئولوژی کارایی اجتماعی و بازسازی اجتماعی را در درجه-ی اول اهمیت ارزش‌گذاری نمودند. ایدئولوژی‌های یادگیرنده محور و دانش پژوهان علمی نیز به ترتیب در رتبه‌های بعدی اولویت قرار گرفتند. نتیجه این یافته با یافته پژوهش کاکران (Cochran) (۸)، ملکی و همکاران (۱۳)، درانی و همکاران (۱۵) به مراتب همسو می‌باشد، زیرا درانی و همکاران، نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که ایدئولوژی کارایی اجتماعی، اولویت اول را بر اساس مؤلفه‌ی هدف کسب نموده است. همچنین کاکران، در پژوهش خود به این نتیجه رسید که افراد در مؤلفه‌ی هدف به سمت ایدئولوژی کارایی اجتماعی و یادگیرنده محور گرایش دارند و در نهایت نتایج پژوهش ملکی و همکاران نیز حاکی از گرایش افراد به ایدئولوژی بازسازی اجتماعی در مؤلفه‌ی هدف داشت، از این‌رو همسویی نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های ذکر شده، در مؤلفه‌ی هدف نمایان می‌شود. از آنجا که هدف آموزش در ایدئولوژی کارایی اجتماعی، انتقال مهارت‌ها و

دستورالعمل‌های کاربردی در محیط شغلی به فراگیران است (۶)، لذا منطقی به نظر می‌رسد که ایدئولوژی برگزیده‌ی اساتید علوم پزشکی در مؤلفه‌ی هدف آموزش، ایدئولوژی کارایی اجتماعی باشد؛ چرا که دانشجویان علوم پزشکی ضمن آشنایی با ماهیت دانش رشته‌ی خود باید به یادگیری مهارت-های کاربردی لازم در محیط شغلی بپردازند. در مؤلفه‌ی تدریس نیز نتایج به این شکل بود که اساتید بیشتر به سمت ایدئولوژی کارایی اجتماعی گرایش داشتند و این نتیجه با نتایج پژوهش درانی و همکاران (۱۵) همسویی دارد؛ چرا که ایشان نیز در پژوهش‌های خود به اولویت ایدئولوژی کارایی اجتماعی در مؤلفه‌ی تدریس رسیده بودند. این اولویت ارزش-گذاری منطقی می‌باشد؛ چرا که در علوم پزشکی نه تنها هدف، بلکه عمده فرایند تدریس نیز نهایتاً بر آموزش مهارت-های کاربردی متمرکز است. در مؤلفه‌ی یادگیری نتایج حاکی از آن بود که ایدئولوژی یادگیرنده محور برای اساتید در اولویت قرار دارد و این نتیجه با نتایج پژوهش‌های کاکران (۸) و ملکی و همکاران (۱۳) همسویی دارد؛ چرا که نتایج این پژوهش‌ها نیز حاکی از اولویت ایدئولوژی یادگیرنده محور در

مؤلفه‌ی یادگیری دارد. از آنجا که ایدئولوژی یادگیرنده محور به فراهم‌سازی دسته‌ای از تجارب برای رشد فراگیران تأکید می‌نماید (۶)، به‌گونه‌ای که شرایط مشارکت فعالانه فراگیران - نه صرفاً به‌عنوان گیرنده‌ای منفعل - در محیط یادگیری را فراهم می‌آورد، لذا در اولویت قرار گرفتن این ایدئولوژی برای اساتید علوم پزشکی قابل توجیه می‌باشد؛ چرا که در این علوم، با فراهم ساختن شرایط حضور فراگیران در کلاس‌های آموزشی و بیمارستان‌ها و آزمایشگاه‌ها، فرصت برای مشارکت فعالانه و تجارب عملی و بالینی فراگیران فراهم می‌آید، از این‌رو می‌توان اولویت قرار گرفتن ایدئولوژی یادگیرنده محور در مؤلفه‌ی یادگیری را برآمده از همین روند یادگیری در علوم پزشکی عنوان نمود. اساتید علوم پزشکی در مؤلفه‌های دانش و فراگیر بر ایدئولوژی کارایی اجتماعی گرایش داشتند. در ایدئولوژی کارایی اجتماعی اعتقاد بر این است که دانش ارزشمند، دانشی است که با ارائه‌ی مهارت‌ها و توانایی‌های عملی، به فرد اجازه فعالیت می‌دهد. همچنین در این ایدئولوژی، فراگیر به مثابه‌ی مواد خامی یاد می‌شود که می‌بایست به محصول نهایی مبدل گردیده و توانایی‌ها و رفتارهای سازنده‌ای به دست آورد (۸ و ۱۳). لذا می‌توان گفت از آنجا که اولاً علوم پزشکی مهارت‌های عملی را در فراگیران توسعه می‌دهد - پس طبق ایدئولوژی کارایی اجتماعی به-عنوان دانشی ارزشمند تلقی می‌شود - و ثانیاً در علوم پزشکی فراگیران مهارت‌هایی را می‌آموزند که قبلاً فاقد آن بوده‌اند، از این‌رو اولویت دادن به ایدئولوژی کارایی اجتماعی در مؤلفه‌های دانش و فراگیر توسط اساتید علوم پزشکی منطقی به‌نظر می‌رسد. نتیجه حاصل از اولویت‌بندی ایدئولوژی‌ها در مؤلفه‌های دانش و فراگیر، با نتایج هیچ یک از پژوهش‌های قبلی همسویی ندارد و از آنجا که پژوهش‌های گذشته اغلب در حوزه‌های غیرپزشکی صورت گرفته‌اند، اتفاقاً همین موضوع وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه‌های غیرپزشکی می‌باشد. به‌عبارت دیگر می‌توان گفت

که تفاوت اصلی اولویت‌دهی ایدئولوژی‌های برنامه‌ی درسی در علوم پزشکی و حوزه‌های غیرپزشکی این است که در علوم پزشکی، دانشی که به توسعه مهارت‌های عملی فراگیران بینجامد و نیز تربیت فراگیرانی که در محیط اجتماع توانمند و کارا باشند، در اولویت بالاتری نسبت به حوزه‌های غیرپزشکی قرار دارد. افزون بر مؤلفه‌های دانش و فراگیر، اساتید علوم پزشکی در مجموع مؤلفه‌ها به‌طور کلی ایدئولوژی کارایی اجتماعی را نسبت به سایر ایدئولوژی‌ها در بالاترین اولویت قرار دادند و این نتیجه‌ای است که در هیچ یک از پژوهش‌های پیشین - که عموماً در حوزه‌ی غیرپزشکی بودند و در مجموع ایدئولوژی یادگیرنده محور و دانش‌پژوهان علمی را در بالاترین اولویت قرار می‌دادند- مشاهده نشد و یافته‌ی متمایزی محسوب می‌شود. در نهایت یافته‌ها نشان داد که اساتید در مؤلفه‌ی ارزشیابی بر ایدئولوژی یادگیرنده محور تأکید نمودند، این نتیجه با نتایج پژوهش‌های کاکران (۸)، منگونی (Mnguni) (۹) و ملکی و همکاران (۱۳) همسویی دارد؛ چرا که پژوهش‌های ایشان نیز از اولویت ایدئولوژی یادگیرنده محور در مؤلفه‌ی ارزشیابی حکایت دارد. در ایدئولوژی یادگیرنده محور تعاملات افراد مورد توجه قرار می‌گیرد و خطاها و اشتباهات احتمالی فرد به آن گوشزد می‌گردد تا بدین وسیله بهبود عملکرد فردی و تحقق برنامه‌ی درسی حاصل شود (۶ و ۸). به‌عبارت دیگر، ارزشیابی در این ایدئولوژی به‌عنوان ابزاری برای توسعه و تعالی عملکرد فراگیر تلقی می‌شود. از همین‌رو اساتید، مرحله‌ی ارزشیابی را نیز موقعیتی برای توانمندسازی فراگیران از طریق اصلاح عملکرد ایشان تلقی می‌کنند. یعنی ارزشیابی به‌منزله خاتمه یافتن آموزش نیست بلکه به‌منزله دریافت بازخورد و اصلاح عملکرد فراگیران است. این نوع نگاه در طراحی برنامه‌ی درسی توسط متخصصین بسیار حائز اهمیت بوده به‌گونه‌ای که ارزشیابی را حلقه‌ی تکمیل و احیای فرایند آموزش می‌دانند. از آنجا که در علوم پزشکی هم ارزشیابی ابزاری برای کاهش

خطا و توسعه عملکرد فراگیر - از طریق پی بردن به خطاها و اشتباهات - می‌باشد، لذا در اولویت قرار گرفتن این ایدئولوژی توسط اساتید علوم پزشکی توجیه‌پذیر است.

با توجه به اولویت‌بندی‌های اشاره شده برای هر مؤلفه، مشخص شد که اساتید علی‌رغم گرایش بیشتر به یک یا بعضاً دو ایدئولوژی در هر مؤلفه، به طور کلی دیگر ایدئولوژی‌ها را نیز مدنظر داشته‌اند اما میزان گرایش کلی کمتر بوده است. این یافته با یافته‌های ردینگ (Reding) (۱۰)، فویل (Foil) (۱۱) و هونگ و چونگ (Hon Ng & Cheung) (۱۲) همخوان می‌باشد، چرا که ایشان نیز در پژوهش‌های خود به این موضوع اشاره کرده و در نظر داشتن تمامی ایدئولوژی‌ها را -ضمن توجه به اهمیت اولویت‌بندی حاصل شده - گوشزد کرده بودند. به عبارت دیگر علی‌رغم ارزش‌گذاری و اولویت دادن به یک ایدئولوژی از سوی اساتید، آنان نسبت به استفاده از دیگر ایدئولوژی‌های بیگانه نمی‌باشند و بنا به ضرورت و اقتضائات کلاس در فرایند آموزشی و انتقال اطلاعات از آنان نیز بهره خواهند برد. نکته‌ای که درخور تأمل بوده و قابلیت در اولویت قرار گرفتن برای پژوهش‌های آتی را دارد، اینکه متغیرهای مداخله‌گر زیادی می‌تواند در اولویت دادن یک ایدئولوژی نسبت به سایر ایدئولوژی‌ها سهمیم باشد - از دیدگاه‌های روانشناختی و فلسفی اساتید تا غالب بودن نوع برنامه‌ی درسی دوره‌ی دانشجو بودن و استاد بودن ایشان - که باید طی پژوهش‌های آتی و با روش مصاحبه عمیق نیمه‌ساختارمند از اساتید علوم پزشکی جویای آن شد. آنچه در این پژوهش مهم بود شناسایی و اولویت‌بندی این ایدئولوژی‌ها بود که به‌عنوان مبنایی برای پژوهش‌های آتی قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

اساتید علوم پزشکی ضمن توجه به همه انواع ایدئولوژی‌ها، در اکثر مؤلفه‌ها ایدئولوژی کارایی اجتماعی را در اولویت

بالتری قرار داده یعنی فراگیری مهارت‌ها و توانمندی‌های عملی در شرایط بالینی را ارزشمند تلقی کردند. به عبارت دیگر، از فرایند هدف‌گذاری گرفته تا تدریس و انتقال دانش و آموزش به فراگیران، تأکید ایشان بر توانمندسازی و مهارت‌افزایی است به‌گونه‌ای که فراگیران بتوانند در عرصه‌ی بالینی، عملکرد مثمرتری داشته باشند. نکته قابل توجه اینکه ایشان در کنار تأکید بر توانمندسازی فراگیران، اهمیت زیادی برای مشارکت فعالانه فراگیران در فرایند توانمندسازی قائل شده و فراگیر را به‌عنوان عنصر مهمی در جریان آموزش تلقی می‌کنند که گیرنده‌ی صرف اطلاعات نیست بلکه با فراهم آوردن شرایط تجربه، پویایی وی در این مسیر تضمین می‌شود -یعنی اهمیت دادن به ایدئولوژی یادگیرنده محور-. این رویه در برنامه‌ی درسی علوم پزشکی همیشه مدنظر بوده است، چرا که لازمه‌ی این علوم، توسعه آن دسته از توانایی‌هایی عملی و بالینی است که برای جامعه کارایی داشته باشد و زمانی می‌توان ادعای توسعه این توانایی‌ها را کرد که شرایط را برای پویایی و مشارکت فعالانه فراگیران در فرایند یاددهی-یادگیری فراهم نمود. در نهایت با توجه به ضرورت آگاهی از ایدئولوژی برنامه‌ی درسی در جهت تحقق اهداف آموزشی (۴) و همچنین ضرورت بررسی برنامه‌ی درسی آموزش عالی با توجه به اهمیت آن در توسعه و تعالی جامعه (۱۷)، اجرای برنامه‌هایی برای حفظ و توسعه همراستایی ایدئولوژی اساتید با ویژگی‌های برنامه‌ی درسی علوم پزشکی، جهت ارتقاء اجرای برنامه‌ی درسی توسط اساتید لازم به‌نظر می‌آید.

تقدیر و تشکر

نویسندگان مقاله نهایت مراتب تقدیر و تشکر خود را از اساتید شرکت کننده در پژوهش اعلام می‌دارند. پژوهش حاضر مستخرج از طرح پژوهشی مصوب مرکز تحقیقات بهداشت تغذیه دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج) به شماره ۹۵-۱۰-۰۰۱۰۷۹ می‌باشد.

References

- 1- Hajizadeh H, Karami M. The Analysis of the intended and implemented curriculum in junior high school (According to UNESCO's elements in Peace education). *Research in Curriculum Planning*. 2014; 11 (15): 92- 109. [Persian]
- 2- Aakbaryborang M, Jafarisuany H, Ahanchian M R, Kareshki H. Curriculum Orientations among Faculty: The Role of Gender, Academic Level and Learning Approach (Face- To- Face and Virtual) in Mashhad University of Medical Sciences. *Iranian Journal of Medical Education*. 2012; 12(3): 210- 219. [Persian]
- 3- Salsabili N. Curriculum Perspectives: Perceptions, Combinations and Patterns, Tehran, 2016: Madreseh Publication. [Persian]
- 4- Ramroodi M, Akbaribooreng M, Zangouei A A, Hosseini S M. Survey the relationship between philosophical mindedness and curriculum orientations of high schools' teachers of Zahedan city in 2013- 2014. *Research in Curriculum Planning*. 2016; 13(21): 180- 190. [Persian]
- 5- Maleki M. Survey type of curriculum Development Ideology among members of faculty in educational sciences departments in Tehran state universities in 2010-2011 academic years, (A Thesis for Master of Degree), Tehran, 2011, SHAHED University. [Persian]
- 6- Schiro M S. Curriculum theory: Conflicting vision and enduring Concerns. Translated by: Farmahini Farahani M, Rafati. Tehran, 2014; First Edition, Ayij Publication.
- 7- ghaderi M. Substrates of understanding the curriculum, Tehran, 2009; Yadvareh Ketab Publication. [Persian]
- 8- Cochran, J. A. Secondary Mathematics Teachers' Curriculum Philosophies and Experience, Ph.D. Dissertation, 2010. Texas State University-San Marcos.
- 9- Mnguni L. The Curriculum Ideology Recommended by Novice Teachers for Life Sciences in South Africa, EURASIA Journal of Mathematics. *Science and Technology Education*. 2018; 14(7): 3099- 3108. DOI: 10.29333/ejmste/91663
- 10- Reding A. Curriculum orientations of catholic School teachers and administrators. University of Kansas, 2008; 95: 3320975.
- 11- Foil, J. determining the curriculum orientations of Public School administrators using the modified curriculum orientation inventory. University of Kansas. 2008; 95: 3336796.
- 12- Hon Ng. P & Cheung. D. Student-teachers' Beliefs on Primary Science Curriculum Orientations, 2002; 45: 42-53.
- 13- Maleki M, Farmahini Farahani M, Esmaeili K. Prioritization and comparing the ideologies of the six components of the curriculum from the perspectives of faculty members of educational science faculties in Tehran. *Research in Curriculum Planning*. 2013; 10 (2): 129- 144. [Persian]
- 14- Zaresefat S, Malekipour A, Mammer Hor J. Investigating The Curriculum Ideologies of The Work and Technology Teachers and Compatibility of Their Ideologies With High Level Document (Case Study: Middle School Teachers in Khorasan Razavi Province). *Journal of Curriculum Technology*. 2018; 2(3): 1- 14. [Persian]
- 15- Dorrani K, Hakimzadeh R, Tarkhan R A. The dominant approach to curriculum from the perspective of instructors, technical and vocational training organization in the country based on the classification of Schiro, The 5th National & 4th International Conference on Skill Training & Employment (ICSTR), 2016: 1- 17. [Persian]
- 16- Levy, Paul S., and Stanley Lemeshow. Sampling of populations: methods and applications. John Wiley & Sons, 2013.
- 17- Maleki M, Farmahini Farahani M. Examination of Ideological type of Curriculum

Development of members of Departments of Educational Sciences faculties in Tehran in 2010-

2011 academic years. *Instruction and Evaluation*. 2013; 6(22): 59- 71. [Persian]